

## تربیت فرزند به سبک قزاقی

۲۷ آبان ۱۴۰۰ ساعت ۱۲:۰۵

نوع تربیت و تعامل رضا شاه با فرزندان باعث شده بود تا آنان روحیات خاصی پیدا کنند. از یک سو رضا شاه زمان زیادی را صرف فرزندان خود نمی‌کرد و آن معدود زمان را هم با تربیت و القای اصول خاص خود به آنان می‌گذراند، از سویی فرزندان مجبور بودند بیشتر اوقات خود را با مادرانشان سپری کنند که آن هم بعد از رسیدن فرزندان به سن مدرسه، از آنان گرفته شد.

شخصیت پادشاهان و محیطی که در آن پرورش یافته‌اند، همواره یکی از بخش‌های جذاب زندگی آنان را شکل می‌دهد و البته معیاریست برای سنجش علل برخی از اقدامات آنان در آینده. به خصوص آنکه آن پادشاهان، دیکتاتور و یا مستبد هم باشند. معمولاً پادشاهان مستبد، شیوه زندگی و تعامل خاصی با فرزندان و محیط خود دارند که همین موضوع باعث شکل‌گیری شخصیت‌ها و علقه‌های روانی خاصی در این افراد می‌شود. نمونه این تعامل را می‌توان در زندگی رضا شاه و نحوه رفتار او با فرزندان به خصوص با ولیعهد دید که در ادامه به آن پرداخته شده است.

رضا شاه و فرزندان او

رضا شاه چهار بار ازدواج کرد و از مجموع این ۴ ازدواج صاحب ۱۱ فرزند شد. از رابطه رضا با تک‌تک فرزندانش اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما تاج‌الملوک در کتاب خود آورده است: "رضا به بچه‌ها نهایت علاقه را داشت و خیلی تلاش می‌کرد در طول روز کوچکترین فرصتی پیدا کند و خودش را به بچه‌ها برساند. بعدها که محمدرضا بزرگتر شد درشکه مخصوص می‌فرستاد تا بچه را نزد او به ارکان حرب که در خیابان باغ ملی بود ببرند" ۱

با این حال رضا شاه در تربیت فرزندان هم روحیه‌ای نظامی داشت. در واقع یکی از خصوصیات اخلاقی رضاخان نظم شدید او بود، که ناشی از تربیت قزاقی‌اش بود. او دقیقاً و از قبل می‌دانست که در فلان ساعت چه باید بکند... سر میز غذا همه فرزندان، دختر و پسر، باید همیشه حضور داشته باشند و اگر لحظه‌ای دیر می‌رسیدند حق حضور بر سر میز نداشتند. تنها نسبت به محمدرضا و شمس رعایت بیشتری می‌کرد و از آنها توضیح می‌خواست و هر توضیحی می‌دادند می‌پذیرفت. ۲

نوع تربیت و تعامل رضا شاه با فرزندان باعث شده بود تا آنان روحیات خاصی پیدا کنند. از یک سو رضا شاه زمان زیادی را صرف فرزندان خود نمی‌کرد و آن معدود زمان را هم با تربیت و القای اصول خاص خود به آنان می‌گذراند، از سویی فرزندان مجبور بودند بیشتر اوقات خود را با مادرانشان سپری کنند که آن هم بعد از رسیدن فرزندان به سن مدرسه، از آنان گرفته شد.

نمونه تعامل رضا شاه با فرزندان: محمدرضا

محمدرضاشاه در خاطرات خود آورده است: من تا زمان ولیعهدی با مادر و برادران و خواهران خود زندگی می‌کردم. ولی بعد از تاجگذاری به دستور پدرم از آنها جدا شدم و پدرم دستور داد که تحت تربیت خاصی که آنرا تربیت مردانه نام می‌نهاد قرار گیرم و برای قبول مسئولیت‌های بزرگ آینده آماده شوم. در همین موقع نام من در دبستان نظام ثبت شد... دانش آموزان این دبستان لباس نظامی می‌پوشیدند و برنامه درسی بسیار دشواری داشتند و زندگانی کودکی من نیز طبعاً در محیط نظامی یعنی در تحصیل و تمرین‌های سربازی می‌گذشت. ۳

محمدرضا که در محیط خانه از مهر و محبت مادری محروم شده بود و دوست و همبازی هم سن و سال خود را نداشت، بالطبع به مدرسه نظام و دوستان مدرسه گرایش پیدا کرد. همکلاسی‌های او در دبستان نظام بیشتر فرزندان امرای ارتش با مقامات مهم دولتی بودند و فقط یک نفر از خانواده‌های پائین، به خاطر این که بچه درس خوان و سربزیری بود به این کلاس راه یافته بود. ۴ این موضوع تأثیر بسزایی بر روحیات محمدرضا داشت. جدایی او از مادرش منجر به ضعف‌های شخصیتی شد که تأثیر آن بعدها خود را در عرصه سیاست نشان داد. ماروین زونیس در رابطه با این نوع تربیت پدرانه که از دوران کودکی به محمدرضا تحمیل شد آورده است: این مرحله از زندگی شاه سرآغاز عقده‌های روانی او به شمار می‌آید، زیرا کودکی شش ساله، که ناگهان از دامن مادر و محیط گرم خانواده جدا می‌شود و در یک محیط خشک نظامی و «کاخ تنهائی» خود زندانی می‌گردد؛ بالطبع دچار یک سلسله مشکلات روانی می‌شود که در مراحل رشد او نیز آثار مخربی بر جای می‌گذارد. ۵ البته سایر فرزندان نیز با مشکلات مشابه درگیر بودند و به دلیل تعاملات خاص پدر با ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی رشد کردند.

چنانچه اشرف خواهر دوقلوی محمدرضا، علیرغم آنکه خود را نورچشمی پدرش می‌دانست اما بی‌توجهی والدین نسبت به خود را نیز احساس می‌کرد. او پیرامون به دنیا آمدن خود و بی‌توجهی والدینش آورده است: «وقتی پنج ساعت بعد به دنیا آمدم، اصلاً از آن هیجان و جوش و خروشی که تولد برادرم به وجود آورده بود، خبری نبود... به دنیا آمدن من در همان روزی که محمدرضا پهلوی، شاهزاده‌ی ولی عهد آینده و سپس شاه ایران، به دنیا آمده بود، همیشه این احساس را در من پدید می‌آورد که نمی‌توانم مهر و علاقه‌ی خاصی را در پدر و مادرم برانگیزم. ۶

البته در نوع تربیت و تعامل رضا شاه با فرزندانش یک استثنا وجود داشت و آن استثنا، شمس بود. شمس از همان ابتدا مورد توجه فراوان پدر و مادر بود. او که خدیجه نام داشت، چون بعد از تولدش پدرش به موفقیت‌های سیاسی و نظامی دست یافت به محض رسیدن به سلطنت او را شمس‌الملوک لقب داد. هر چند که سه سال پس از تولد او، دو فرزند دیگر (اشرف و محمدرضا) متولد شدند، اما شمس همچنان مورد توجه پدر و مادر بود. این رفتار سبب می‌شد که شمس نسبت به بقیه فرزندان خانواده عاطفی‌تر و ملایم‌تر و در عین حال زورگوتر بود و رای و خواسته‌اش اجابت می‌شد. ۷

با این حال جدا از شمس که از نوعی محبت متفاوت پدرانه برخوردار بود، سایر کودکان این محبت را بیشتر از طریق مادر دریافت کردند. ماروین زونیس نمود محبت مادرانه را در روحیات محمدرضا بیشتر نمایان دیده و معتقد «مادرش برای او (محمدرضا) اهمیت زیادی داشت. او سرپرستی بود که شاه از نخستین سالهای زندگی او را شناخته و با او زیسته بود، هر خصوصیتی که داشت زیر نظر او پرورش یافته بود و سرپرستی که می‌توان گفت به منظور انتقام‌گیری از شوهر بی‌وفای خود، او را در تار و پود نظام روانشناختی خود اسیر کرده بود. در حالی که مادر و دو خواهرش منشاء تعلیم و تربیتی بودند که او دریافت کرده بود، پدرش منشاء ترس و غمگینی او بود.» ۸

## سخن نهایی

بسیاری از روانشناسان معتقدند کودکانی که در محیط‌های استبدادی بزرگ می‌شوند و یا تعامل والدین با آنها، مستبدانه است، در بزرگسالی با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. این مشکلات می‌تواند به شکل عقده‌های روانی خودبزرگ‌بینی در عین نوعی حقارت، تلاش برای غلبه بر حقارت از طریق راه‌های اشتباه و ظاهری قوه‌ای با اراده‌ای ضعیف و مشکلاتی از این قبیل می‌شوند. نمونه این وضعیت را می‌توان در تعامل رضا شاه با فرزندانش از جمله محمدرضا مشاهده نمود که در نهایت باعث شد تا بسیاری از مشکلات شخصیتی او در دوران حکومتش بر کشور به شکل ضعف‌های سیاسی بروز نماید.

## فهرست منابع

۱. تاج‌الملوک، همسر رضایپهلوی شاه ایران، خاطرات ملکه پهلوی (تاج‌الملوک پهلوی)، بنیاد تاریخ شفاهی (معاصر)، تهران، به‌آفرین، ۱۳۸۰، ص ۳۵.
۲. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۷۱.
۳. محمود طلوعی، پدر و پسر، تهران، نشر علم، ۱۳۷۲، ص ۴۷۷.
۴. همان، صص ۴۷۴-۴۷۵.
۵. همانجا.
۶. اشرف پهلوی، چهره‌هایی در یک آینه: خاطرات اشرف پهلوی، ترجمه هرمز عبداللهی، تهران، نشر فرزانه روز، ۱۳۷۷، ص ۱۸.
۷. کسری، نیلوفر، زنان ذی نفوذ در خاندان پهلوی، ص ۷۵، برگرفته از <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=۳۸۲۷۲>
۸. ماروین زونیس، شکست شاهانه: ملاحظاتی درباره سقوط شاه، ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران، نشر نور، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۶۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۴۸۵۶۹-تربیت-فرزند-سبک-فرزند-تربیت>